

حلاج: برگشتن از سطح یک مقررہ سطح عالی و فراگیر مانند

قانون به مقررہ‌های مادن آن و بخشی‌نگری، بر ہم زدن ثبات رویہ است. عدول از مکانیزم‌های شفاف برای توجہ قابل پیش‌بینی به مرغوبیت، افت کیفیت و عمل سلیقه‌ای را به همراه دارد. اگر دغدغہ این است کہ آئین‌نامه‌های قانون ایراد دارد؛ چرا وقتی نواقص آئین‌نامه‌ها رفع شد، مدعیان تلاش کردند کہ خود صادق است باید از حل مشکل خرسند باشد، چرا تلاش می‌کنند و مکاتبه می‌کنند کہ نگذارند این نواقص رفع شود؟ این رفتارها نشان می‌دهند کہ نگرانند بهانه را از دست بدهند. جملہ درخشان دکترعلی موحد را به خاطر بیابوریم کہ می‌گفتند: «حق چیز خوبی است و از هر چیز خوبی می‌شود سوءاستفادہ کرد.» مرحوم دکتر احمد توکلی نیز موکداً می‌گفتند: «باید مراقب باشیم فساد قانونی شکل نگیرد. گویی قانون را چنان می‌نویسند کہ در صورت اجرای قانون فساد و بی‌عدالتی رخ دہد.» نباید شیفته الفاظ شد. باید با دقت، عالمانہ و شکیمیایی مقررات را بخوانیم و افرادی کہ نقد دارند، بیایند در برابر دیدگان ملت، بدون سفسطہ و مغالطہ درباره اصلاح قانون صحبت کنیم تا اگر اشکالی وجود دارد، آن اشکال رفع شود نہ اینکه حرکت ارتجاعی کنیم. اگر از پاسخگویی فرار کنیم، معلوم خواهد شد کہ در گفتہ‌ها غش است و پس از مدتی سہروی شود ہر کہ در او غش باشد. اما شاید دیر باشد و فرصت‌های ملی از دست رقتہ باشد. **مقیسہ:** وجود یک قانون کارآمد، سنگ‌بنایی مبارزہ با فساد، عدالت اجتماعی و ارتقای بہرہ‌وری است؛ از این منظر، قانون فعلی با وجود اهداف خوب، دارای نقاظ ضعف جدی است کہ نیاز بہ بازنگری آن را ضروری می‌کند. بہ عنوان یک کارگزار اجرایی آشنا بہ این قانون، معتقدم کہ قانون برگزاری مناقصات برای تدارکات عمومی دستگاه‌های اجرایی و واگذاری پروژہ‌ها و قراردادهای پرتکرار جاری دستگاه‌ها قابل استفاده است و برای اجرای پروژہ‌ها و قراردادهای توسعہ‌ای نیاز بہ بازنگری جدی است. با وجود تلاش قانونگذار برای ایجاد شفافیت، عدم تمرکز اختیارات و فرآیندهای چندپلہ‌ای، رویہ‌ها و نہادہای پیش‌بینی‌شدہ در این قانون کارایی و اثربخشی اولیه خود را از دست دادہ و با پیچیدگی و تطویل زمان واگذاری قراردادها، موجب تشدید اثرات تحمیلی تورمی، ہدرفت منابع مالی، اتلاف زمان، تحمیل عدم‌النفع و تأخیر در اجرای طرح‌ها و پروژہ‌های توسعہ‌ای کشور می‌شود. علاوہ بر این معیار غالب کمترین قیمت، اگر چہ ظاہری عادلانہ دارد، اسباب در عمل منجر بہ کاهش کیفیت طرح‌ہای ملی، حذف شرکت‌های صاحب فناوری و دانش بیشتر کہ می‌توانند عایدی بیشتری برای کشور ایجاد کند را بہ همراه خواهد داشت؛ این در حالی است کہ از نگاہ توسعہ‌ای، حتماً ورود منابع و فناوری خارجی نسبت بہ منابع داخلی کشورها اولویت خواهد داشت؛ نکته‌ای کہ بہ خوبی در قوانین معاملاتی کشورہای در حال توسعہ منطقہ خودمان، از جملہ کشورہای حاشیہ خلیج فارس پیش‌بینی شدہ است. متعقدم، قانون برگزاری مناقصات برای دولتی داناتر از بخش خصوصی، ثروتمند و قادر بہ تضمین، پیش‌بینی و ایجاد ثبات اقتصادی در طول اجرای طرح‌های توسعہ‌ای مناسب است. در ہیچ‌یک از کشورہای نفتی، قواعد حاکم بر واگذاری قراردادهای نفتی و گازی با روش واگذاری قراردادهای عمومی و فضای سبز و تنظیمات ... و یکسان نیست. فرصت استفاده از ذخایر زیرزمینی کشور محدود و رو بہ خاتمہ است. چرا باید با رویہ‌های آزمون و خطایی و با شعارہای عوام‌فریبانہ مانند فرار از پاسخگویی و واگذاری سلیقه‌ای و تشخیصی، تجربیات موفق همین کشورہای ہمسایہ و یا تجربیات پیشین ہمین صنعت نفت را نادیدہ بگیریم. آیین‌نامہ معاملات شرکت ملی نفت کہ پایہ آن در سال ۱۳۳۹ گذاشتہ شد و تا سال ۱۳۸۳ با اصلاحات متعدد بہ اجرا درآمد، همان قاعدہ‌ای است کہ طرح‌های توسعہ میدان مشترک پارس جنوبی و میادین نفتی جنوبی در قالب قراردادهای بیع متقابل با سرمایہ‌گذاری بالغ بر ۳۲ میلیارد دلار را بہ شرکت‌های طراز اول بین‌المللی و شرکای ایرانی آنها واگذار کرد. آیا شنیدہ اید در آن قراردادها فساد و تبانی و عدم شفافیت وجود داشتہ باشد؟ آیین‌نامہ معاملات شرکت ملی نفت ایران نیز اساس و پایہ را بر مبنای رقابت و مناقصہ قرار دادہ، اما نہ با قیود غیرقابل تعمیم قانون برگزاری مناقصات بہ قراردادهای نفتی و گازی. درحالی کہ پیش از تصویب قانون برگزاری مناقصات، شرکت ملی نفت ایران با استفاده از آیین‌نامہ معاملات خود نسبت بہ برگزاری فراخوان‌های بین‌المللی اقدام می‌کرد اما بعد از تصویب این قانون، حتی یک قرارداد بالادستی نفت و گاز را نتوانستیم با فراخوان مناقصہ‌ای واگذار کنیم و علت آن ہم عدم تطابق این قانون و رویہ‌های آن با مہیت متفاوت قراردادهای نفتی است. **اسلامی:** نتیجہ عدم شفافیت‌ها در ۲۰ سال گذشته، چہ بودہ است؟ چرا باید راہ رفتہ‌ای کہ خسارات زیادی بہ ہمراہ داشته را دوبارہ برویم؟ نتیجہ ترک تشریفات و محرمانہ نگاہ داشتن‌ها جلوی چشم ماست. ناترازی‌ها، کسری بودجہ، شکست پروژہ‌ها، اتلاف منابع، غارت و فساد ماحصل ہمین عملکرد است. وقتی ما صحبت از مستثنی شدن می‌کنیم باید دقت کنیم و برای ہمان مستثنیات نیز اهدافی تعریف کنیم کہ بہ مسیر اشتباہ نرویم؛ اهدافی کہ ناظر بر حفظ حقوق سرمایہ‌گذار یا آورندہ، شرکت‌ها و اشخاص منبع و مبتکر، حفظ حقوق مالکیت مادی و معنوی صاحبان ایده و طرح و فناوری یا آورندہ فناوری، شفافیت و رقابت‌پذیری، رعایت استانداردها و کیفیت کالا و خدمات، حفظ اموال و دارایی‌های ملی، صیانت از حقوق دولتی و نهایتاً صیانت از محیط زیست باشد.

بہ دلیل تحریم‌های ظالمانہ، سازمان بازرسی بہ مدت پنج‌سال بر ہیچ پروژہ‌ای نظارت نکند. اسم این را جز سوءاستفادہ از عنوان تحریم، چہ چیزی می‌توان گذاشت؟ اگر سازمان بازرسی در جایی تخطی یا ضعف دارد باید بہ آن سازمان آموزش دہید تا اصلاح شود نہ اینکه بہ خاطر یک خطا، بازرسی کشور را تعطیل کنیم. «قانون برگزاری مناقصات» اتفاقاً مادہ‌ای صریح دارد کہ می‌گوید اگر معاملہ‌ای لازم است بہ تصویب و تشخیص ہیئت وزیران برسد و مستور باشد شمای دستگاه اجرایی مجاز ہستید کہ مستور عمل کنید. ہمین امروز کہ داریم صحبت می‌کنیم شوہاد و مصادیق زیادی برای استفاده از ہمین روش مستور قانونی وجود دارد اما بہ دلیل محرمانہ بودنش نمی‌توانم وارد مصادیق آن شوم. این محرمانہ بودن ہم فقط بہ دلیل تحریم بلکہ در ہر موردی کہ قید «محرمانہ بودن ضرورت دارد» آمدہ، قابل اجرا توسط دستگاه اجرایی است. **اسلامی:** محرمانگی بعضی از مسائل بہ دلیل تحریم با وجود شفافیت داخلی، ہیچ منافاتی ندارد. خود مناقصہ گر قبل از برگزاری مناقصات می‌تواند یک قرارداد محرمانگی امضا کند. در برخی از قراردادها ما این کار را انجام می‌دہیم. نکته جالب اینکہ مناسفانہ ہمہ از جزئیات ہمہ چیز خبر دارندو داخلی‌ها هستند کہ در بسیاری مسائل ناچرم شمرده می‌شوند. ما جنگی را از سر گذرانیدم کہ طی آن مشخص شد سری ترین اطلاعات کشور لو رقتہ. این چگونہ محرمانگی و حفاظتی است کہ لحظہ بہ لحظہ تردد فرماندہان ارشد کشور را می‌دانستند، بعد برای بستن عدالت قرارداد اقتصادی، سازمان بازرسی را از داشتن اطلاعات منع می‌کنیم؟ این چہ طبقہ‌بندی و حفاظتی است؟ پرسش مہم‌تر اینکہ چرا این محرمانگی اطلاعات فقط بہ مسیر منافع اقتصادی ہدایت می‌شود؟ در جایی کہ باید اطلاعات کشور بہ شدت حفاظت شود ما شہاد بی‌مبالاتی ہستیم و کسی ہم درباره آن پاسخی ندادہ است. جالب است این خاطرہ را نقل کنم کہ در یک قرارداد نفتی، قرارداد سفت و سخت محرمانگی امضا کردیم کہ بر اساس آن برای داشتن شریک خارجی و استفادہ از فناوری‌های روز دنیا دستمان بستہ شد. اما وقتی مدارک را باز کردیم دیدیم پای تمام مطالعات فنی قرارداد، مہر شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی خورده است. یعنی تمام جزئیات مخازن را شرکت‌های انگلیسی و آمریکایی می‌دانستند بہ جز ناظران داخلی. ما متعدد بودیم بہ محرمانہ نگاہ داشتن مدارک فنی‌ای کہ شرکت‌های خارجی تولید کردہ بودند. این خطور محرمانگی است کہ تمام اطلاعات مخازن بہ شرکت‌های انگلیسی و آمریکایی دہی می‌شود و در مورد ما کہ در دسترس تمام نہادہای نظارتی ہستیم چنین سختگیری اعمال می‌شود؛ بہ نحوی کہ انتقال سرمایہ و فناوری در این شرایط تحریم و نیاز صنعت، با مشکل روبہ‌رو می‌شود؟

حلاج: بہ نظر می‌رسد ظرفیت‌های لازم برای مدل‌های مختلف ارجاع کار در قانون مناقصات وجود دارد. حداقل ۱۰ مورد را خود قانونگذار در مادہ ۲۹ قید کردہ است. اینہا مواردی است کہ امکان مناقصہ ندارد و یک مقام تشخیص نیز برای آن گذاشتہ است. یک ظرفیت دیگر ہمین ترک تشریفات است. در ترک تشریفات کہ خود آن سہ سطح دارد، ممکن است منتقد سطوح و مقام تشخیص ہر سطح باشیم ولی اساس آن از منطق درستی پیروی می‌کند. در برخی موارد کہ اعلام می‌شود امکان ارجاع کار بدون ترک تشریفات وجود ندارد، خودمان امکان ارائه گزارش مستند و مستدل و ادلہ توجہی برای ترک تشریفات را نداریم. در گزارش ترک تشریفات باید بہ دو پرسش، پاسخ قانع کنندہ دہیم. پرسش اول: چرا مسابقہ نمی‌روم؟ این اضطرار می‌تواند اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی یا حتی فوریت نیز باشد. ولی نہ ہر فوریتی کہ دلایلش اہمال‌های قبلی اجرایی و کوتاہی در ادارہ امور باشد. پرسش دوم: چرا بہ این شخص با این قیمت دادم؟ مستندات پرسش دوم است کہ مسئلہ را حل می‌کند. در مادہ ۲۴ ہمین قانون مناقصات، عباتی داریم کہ می‌گوید شرط تجدید مناقصہ در قیمت‌های بالا، صرفاً بالا بودن قیمت نیست. نداشتن توجیہ اقتصادی ہم شرط مہم دوم است. بنابراین شرط تجدید مناقصہ بالا بودن قیمت‌ہا بہ نحوی کہ توجیہ اقتصادی طرح منتفی شود، قید شدہ است. اگر توجیہ اقتصادی طرح منتفی نشدہ، تجدید برگزاری مناقصہ حتی تخلف محسوب می‌شود. یعنی شما بہ خاطر ۱۰ میلیارد تومان، نفع ۵۰ میلیارد تومانی را از دست دادہ‌اید. ہر چند ممکن است ما بہ لحاظ ملاحظاتی کہ عموماً ملاحظہ فرہنگی اجرایی حاکم بر نظام ارجاع کار در نہاد عمومی است، جرأت استفاده از این بند را نداشته باشیم. آیا این ہم ایراد قانون است؟ مادہ ۲۰ نیز از نحوہ تاثیرگذاری کیفیت بر قیمت می‌گوید. کیفیت بخشی از قیمت محسوب می‌شود. نمی‌توان عدد با کیفیت بالا را با عدد با کیفیت پایین مقایسہ کرد.

اسلامی: قانون باید جامع و مانع باشد. این سلسل وار قانون تصویب کردن‌ها و قانون‌های ناقص، نامتوازن، تبعیض‌آور و حفرہ‌دار منشأ سطح دیگری از فساد است. گاهی فساد با قانون‌شکنی مستقیم انجام می‌شود، اما گاهی قانونی نوشته می‌شود کہ خودش فسادزا است. من جسارتی بہ قانونگذاران نمی‌کنم ولی نمایندگان و شورای محترم نگہبان را بہ دقت فرا می‌خوانم کہ بہ گونه‌ای عمل نشود کہ محافلی خارج از این نہادہا با ہدف غارتگری و رانتخواری بیشتر، محتواہایی را تولید و بہ تصویب برسانند. در آن صورت مبارزہ کردن با آن سطح از فساد کہ سیستماتیک و قانون شدہ و گویی قانون برای فساد نوشته شدہ، دشواری زیادی خواهد داشت.

اگر قراردادهای نفتی از قانون مناقصات مستثنی شود و از آئین‌نامہ قراردادهای نفتی تبعیت کند، چہ پیامدہایی خواہد داشت؟

در مادہ ۲۷ و ۲۸ قانون ناظر این اجازہ دادہ شدہ در صورتی کہ توجیہ منطقی وجود داشتہ باشد، می‌تواند ترک تشریفات صورت گیرد. منتہا باید مستندسازی کنند و دلایل قوی داشته باشند. بنابراین بہ نظر می‌رسد تلاش برای مستثنی کردن معاملات نفتی از قانون، بہانہ است. نمی‌خواہند دلیل موجہ ارائه دہند لذا می‌گویند قانون مناقصات دست ما را بستہ است. از نظر قانون، اصل بر روشن بودن و شفافیت است. اصل بر این است کہ حقوق دولت، حقوق شرکت ملی نفت و گاز رعایت شود و از آن طرف حقوق ہمہ مناقصہ‌گران نیز رعایت شود. البتہ این قانون خالی از اشکال نیست و باید مواردی بہ آن اضافه شود؛ از جملہ حقوق مالکیت معنوی و مادی مناقصہ‌گران و سرمایہ‌گذاران و آوردن فناوری‌های خارجی.

❖ **در مورد مستثنی شدن قراردادهای نفتی از قانون برگزاری مناقصات در وزارت نفت اجماع نظر وجود دارد؟**
شہرام حلاج‌نیشابوری: در وزارت نفت کارشناسان دقیق و منصفی حضور دارند کہ قانون مناقصات کہ امروز مورد حملہ و تخریب است را تأیید می‌کنند و نظرات اصلاحی خود را دربارہ قانون نیز ارائه می‌دہند. بندہ با چند نفر از ہمین کارشناسان جلسہ‌ای داشتم، با ہمین دوستانی کہ دنبال کنار گذاشتن قانون مناقصات بودند. در آن جلسہ جز بہانہ‌گیری و کلی گویی چیزی ندیدم. راہ حل خیلی سادہ است. می‌توان در جلسہ‌ای دربارہ قوانین بحث کرد و موافقان و مخالفان نظرات خود را اعلام کنند. باز ہم تأکید می‌کنم قانون مناقصات صددرصد کامل نیست و نواقصی دارد. من کہ امروز درباره این قانون صحبت می‌کنم درباره اصلاح آن مطلب نوشته‌ام و داوری و منتشر شدہ است. موضوع سر این است کہ نقاط ضعف این قانون چیزی حدود چہار درصد است و ۹۶ درصد آن قابل اتکا و مثبت است. ما قانونی با ۹۶ درصد نقاط مثبت را کنار می‌گذاریم و بہ جای آن یک آئین‌نامہ با نقاط مثبت ہفت‌درصدی را قرار می‌دہیم. خوب این عقبگرد و پسرست است. کارشناسان در مورد اینکه قانون مدنی کشور قانون تقریباً کامل و خوبی است اتفاق نظر دارند. حالا شما اگر بخواہید برای خرید بولہ‌رینگ صندلی خود بہ این قانون مراجعه کنید در جایی از قانون مدنی نامی از بولہ‌رینگ ذکر نشدہ است. این یعنی قانون مدنی ایراد دارد؟ این شیوہ استدلال کردن مضحک است کہ بہ خاطر اینکه این قانون چیزی درباره بولہ‌رینگ نگفتہ آن را کنار بگذاریم. قانون مدنی مگر متکفل بولہ‌رینگ صندلی شماسنت؟ قانون مدنی نظم اجتماعی را در حوزہ‌های مشخصی بیان کردہ است. مشابہ این بر خورد عجیب این است کہ می‌گویند در قانون مناقصات ۲۵ درصد را چکار کنیم؟ اصلاً موضوع قانون مناقصات این نیست. قانون مناقصات از آنجاورد می‌کند کہ دستگاه عمومی مطالعات را تا حد ممکن کامل انجام دادہ، حالا می‌خواہد یک شریک انتخاب کند. قانون برگزاری مناقصات در پیچیدہ ترین معاملات داخلی، زیر ۳۰ روز مناقصہ را برگزار می‌کند. در مناقصات خارجی ۲۰ روز بہ این زمان اضافه کنید، پیچیدہ‌ترین مناقصہ بین‌المللی را بر اساس این قانون زیر ۵۰ روز می‌توان انجام داد. پس اگر من مطالعہ نکردم و اسناد را آمادہ نکردم و در وسط فرایند این عدم آمادگی بر ملا می‌شود نباید آن را بہ طول مدت بررسی در قانون مناقصات ربط دہم.

❖ **یکی از ایراداتی کہ بہ قانون وارد می‌شود افشای اطلاعات قراردادهاست کہ در دورہ تحریم بہ زیان کشور است و تأکید می‌شود برای دور زدن تحریم جزئیات قراردادها باید محرمانہ بماند. آیا قانون مناقصات از منظر افشای اطلاعات، مشکلی برای قراردادها ایجاد می‌کند؟**

امیر مقیسہ: سازوکار قانون برگزاری مناقصات، اساساً آمُخوان با خریدہا و پروژہ‌های عمومی دستگاه‌های اجرایی طراحی شدہ است. در خصوص معاملات تخصصی دستگاه‌ها، انتشار عمومی نیازمندی‌ها مطابق رویہ‌ای کہ در قانون برگزاری مناقصات پیش‌بینی شدہ، تبعات منفی بہ ہمراہ خواہد داشت کہ بر خلاف صرفہ و صلاح کشور و دولت است. یکی از این اثرات کہ در انجام خریدہا و با پروژہ‌های عمدہ حادث می‌شود، برہم‌ریختگی در بازار و یا خدمات تخصصی کہ تولیدکنندہ و مصارف محدود دارند، می‌شود. بہ‌طور مثال برای تأمین دکل‌های حفاری مورد نیاز صنعت نفت، انتشار فراخوان عمومی موجب هجوم خریداران و تأمین کنندگان و متقاضیان بہ سازندگان و مالکان دکل‌ها در خارج از کشور شد و ہمین موضوع افزایش حدود ۴۰ درصدی قیمت اِزری دستگاه‌های حفاری را بہ ہمراہ داشت. یا در خصوص کالاهای خدمات تحریمی، انتشار جزئیات پروژہ‌ها موجب شناسایی محل استفاده و مصرف آنها شدہ و عملاً تأمین نیاز دستگاه‌های اجرایی را ناممکن می‌کند. این موضوع در قراردادهای سرمایہ‌گذاری کہ ریسک‌های قراردادی در بخش تأمین مالی، تجهیز و احداث و بہرہ‌برداری بر عہدہ سرمایہ‌گذار قرار دارد، از اہمیت بسیار بالاتری بر خوردار است. شاید در نگاہ اول این راہکار بہ دہن متبادر شود کہ می‌توان برای رفع این دغدغہ از ظرفیت مندرج در مادہ ۲۹ قانون مبنی بر محرمانہ کردن قرارداد با تصویب ہیئت محترم وزیران استفاده کرد اما اصل موضوع آن است کہ این ملاحظات در مرحلہ واگذاری بیشترین اثر را دارد و در طول دورہ قرارداد محرمانہ شدن قرارداد، محدودیت‌های جدی و مضائقی از جملہ کاهش امکان تأمین مالی طرح‌ها و پروژہ‌ها را بہ ہمراہ خواہد داشت کہ خود آسیب مضاعفی را بہ دنبال دارد.

حلاج: شما بہ این مثال توجہ کنید. پیش از این عده‌ای تلاش کردند از شورای ہماہنگی اقتصادی سران قوا مجوز بگیرند کہ



را درباره قانون نیز ارائه می‌دهند. بندہ با چند نفر از همین کارشناسان جلسہ‌ای داشتم، با همین دوستانی کہ دنبال کنار گذاشتن قانون مناقصات بودند. در آن جلسہ جز بہانہ‌گیری و کلی گویی چیزی ندیدم. راہ حل خیلی سادہ است. می‌توان در جلسہ‌ای دربارہ قوانین بحث کرد و موافقان و مخالفان نظرات خود را اعلام کنند. باز ہم تأکید می‌کنم قانون مناقصات صددرصد کامل نیست و نواقصی دارد. من کہ امروز درباره این قانون صحبت می‌کنم درباره اصلاح آن مطلب نوشته‌ام و داوری و منتشر شدہ است. موضوع سر این است کہ نقاط ضعف این قانون چیزی حدود چہار درصد است و ۹۶ درصد آن قابل اتکا و مثبت است. ما قانونی با ۹۶ درصد نقاط مثبت را کنار می‌گذاریم و بہ جای آن یک آئین‌نامہ با نقاط مثبت ہفت‌درصدی را قرار می‌دہیم. خوب این عقبگرد و پسرست است. کارشناسان در مورد اینکه قانون مدنی کشور قانون تقریباً کامل و خوبی است اتفاق نظر دارند. حالا شما اگر بخواہید برای خرید بولہ‌رینگ صندلی خود بہ این قانون مراجعه کنید در جایی از قانون مدنی نامی از بولہ‌رینگ ذکر نشدہ است. این یعنی قانون مدنی ایراد دارد؟ این شیوہ استدلال کردن مضحک است کہ بہ خاطر اینکه این قانون چیزی درباره بولہ‌رینگ نگفتہ آن را کنار بگذاریم. قانون مدنی مگر متکفل بولہ‌رینگ صندلی شماسنت؟ قانون مدنی نظم اجتماعی را در حوزہ‌های مشخصی بیان کردہ است. مشابہ این بر خورد عجیب این است کہ می‌گویند در قانون مناقصات ۲۵ درصد را چکار کنیم؟ اصلاً موضوع قانون مناقصات این نیست. قانون مناقصات از آنجاورد می‌کند کہ دستگاه عمومی مطالعات را تا حد ممکن کامل انجام دادہ، حالا می‌خواہد یک شریک انتخاب کند. قانون برگزاری مناقصات در پیچیدہ ترین معاملات داخلی، زیر ۳۰ روز مناقصہ را برگزار می‌کند. در مناقصات خارجی ۲۰ روز بہ این زمان اضافه کنید، پیچیدہ‌ترین مناقصہ بین‌المللی را بر اساس این قانون زیر ۵۰ روز می‌توان انجام داد. پس اگر من مطالعہ نکردم و اسناد را آمادہ نکردم و در وسط فرایند این عدم آمادگی بر ملا می‌شود نباید آن را بہ طول مدت بررسی در قانون مناقصات ربط دہم.

❖ **یکی از ایراداتی کہ بہ قانون وارد می‌شود افشای اطلاعات قراردادهاست کہ در دورہ تحریم بہ زیان کشور است و تأکید می‌شود برای دور زدن تحریم جزئیات قراردادها باید محرمانہ بماند. آیا قانون مناقصات از منظر افشای اطلاعات، مشکلی برای قراردادها ایجاد می‌کند؟**



امیر مقیسہ: سازوکار قانون برگزاری مناقصات، اساساً آمُخوان با خریدہا و پروژہ‌های عمومی دستگاه‌های اجرایی طراحی شدہ است. در خصوص معاملات تخصصی دستگاه‌ها، انتشار عمومی نیازمندی‌ها مطابق رویہ‌ای کہ در قانون برگزاری مناقصات پیش‌بینی شدہ، تبعات منفی بہ ہمراہ خواہد داشت کہ بر خلاف صرفہ و صلاح کشور و دولت است. یکی از این اثرات کہ در انجام خریدہا و با پروژہ‌های عمدہ حادث می‌شود، برہم‌ریختگی در بازار و یا خدمات تخصصی کہ تولیدکنندہ و مصارف محدود دارند، می‌شود. بہ‌طور مثال برای تأمین دکل‌های حفاری مورد نیاز صنعت نفت، انتشار فراخوان عمومی موجب هجوم خریداران و تأمین کنندگان و متقاضیان بہ سازندگان و مالکان دکل‌ها در خارج از کشور شد و ہمین موضوع افزایش حدود ۴۰ درصدی قیمت اِزری دستگاه‌های حفاری را بہ ہمراہ داشت. یا در خصوص کالاهای خدمات تحریمی، انتشار جزئیات پروژہ‌ها موجب شناسایی محل استفاده و مصرف آنها شدہ و عملاً تأمین نیاز دستگاه‌های اجرایی را ناممکن می‌کند. این موضوع در قراردادهای سرمایہ‌گذاری کہ ریسک‌های قراردادی در بخش تأمین مالی، تجهیز و احداث و بہرہ‌برداری بر عہدہ سرمایہ‌گذار قرار دارد، از اہمیت بسیار بالاتری بر خوردار است. شاید در نگاہ اول این راہکار بہ دہن متبادر شود کہ می‌توان برای رفع این دغدغہ از ظرفیت مندرج در مادہ ۲۹ قانون مبنی بر محرمانہ کردن قرارداد با تصویب ہیئت محترم وزیران استفاده کرد اما اصل موضوع آن است کہ این ملاحظات در مرحلہ واگذاری بیشترین اثر را دارد و در طول دورہ قرارداد محرمانہ شدن قرارداد، محدودیت‌های جدی و مضائقی از جملہ کاهش امکان تأمین مالی طرح‌ها و پروژہ‌ها را بہ ہمراہ خواہد داشت کہ خود آسیب مضاعفی را بہ دنبال دارد.

حلاج: شما بہ این مثال توجہ کنید. پیش از این عده‌ای تلاش کردند از شورای ہماہنگی اقتصادی سران قوا مجوز بگیرند کہ

نگاہ مدیر

استفادہ حداکثری از ظرفیت قانونی



امیر صالحی

معاون سرمایہ‌گذاری و ارزیابی اقتصادی قراردادهای نفت و گاز

قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت در سال ۱۳۹۱ ابلاغ شد و مطابق مادہ ۱۱ این قانون، واگذاری قراردادهای اکتشاف توسعہ، تولید، تعمیر و نگهداشت میادین مشترک نفت و گاز با استفاده از آیین‌نامہ معاملات شرکت ملی نفت ایران و با تأیید وزیر نفت از شمول قانون برگزاری مناقصات مستثنی شدہ است. بعد از ابلاغ این قانون، شرکت ملی نفت ایران نسبت بہ برگزاری فرآیند‌های واگذاری قراردادهای مشمول استفاده از آن اقدام و براساس برآوردها و مبالغ سرمایہ‌گذاری، تاکنون حدود ۲۴ میلیارد دلار از قراردادهای توسعہ‌ای و تکمیلی در میادین مشترک نفت و گاز با اخذ مجوز از وزیران نفت در دورہ‌های مختلف بہ تأیید شورای محترم اقتصاد رسیدہ است کہ این قراردادها بہ بہرہ‌برداری رسیدہ و یا در حال اجرا و تنفیذ می‌باشند. جہت تبیین بیشتر موضوع می‌توان قراردادهای اشاره‌شدہ را در سہ دستہ طبقہ‌بندی نمود:

۱ دستہ اول این قراردادها مربوط بہ قراردادهای توسعہ میادین نفتی و گازی می‌باشد کہ از جملہ قراردادهای انہامی می‌توان بہ قرارداد توسعہ میادین ۱۱ پارس جنوبی، فراد، بلال، فروزان، سہراب، سلمان، آذر، پایدار غرب، چنگولہ، دہلران و سایر میادین نفتی و گاز اشارہ کرد کہ بیش از ۲۳ میلیارد دلار برآورد سرمایہ‌گذاری مصوب این میادین بودہ است.

۲ دستہ دوم از این قراردادها مرتبط با طرح‌های کلان کشور می‌باشد کہ از جملہ این طرح‌ها می‌توان بہ قراردادهای مرتبط با طرح فشارافزانی پارس جنوبی با برآورد سرمایہ‌گذاری بیش از ۱۷ میلیارد دلار و قراردادهای مربوط بہ طرح ملی گورہ- جاسک با سرمایہ‌گذاری بیش از ۲ میلیارد دلار اشارہ کرد. دستہ سوم قراردادهایی هستند کہ در رابطہ با پروژہ‌های جانبی و تکمیلی مرتبط با توسعہ و برداشت از میادین مشترک واگذار گردیدہ اند، کہ عمدہ این موارد می‌توان بہ قراردادهای تأمین دکل‌های حفاری دریایی، احداث نیروگاہ برای تأمین برق مورد نیاز میادین مشترک، اسکلہ‌های صادراتی، تلمبہ‌خانہ‌های افزایش فشار و خطوط لولہ انتقال و صادرات نفت و گاز، پروژہ‌های جمع‌آوری گازہای ہمراہ در مناطق غرب رودخانہ کارون و فرآورش و استفاده بہینہ از آنها و بسیاری از طرح‌ها و پروژہ‌های دیگر کہ میزان سرمایہ‌گذاری این موارد نیز بیش از ۲ میلیارد دلار بودہ است.

با عنایت بہ این موارد، ملاحظہ می‌گردد کہ حجم سرمایہ‌گذاری و واگذاری قراردادها در میادین مشترک نفتی و گاز و پروژہ‌های مرتبط با اکتشاف، توسعہ، تولید و تعمیر و نگهداشت میادین مشترک با استفاده از ظرفیت قانونی فوق و در عرض ۱۳ سال بالغ بر ۴۴ میلیارد دلار (بہ‌صورت میانگین سالانہ بیش از ۳/۳ میلیارد دلار) بودہ است کہ در شرایط تحریم‌های شدید بعد از سال ۱۳۹۱ و مشکلات عمدہ اقتصادی کشور و با در نظر گرفتن این امر کہ بیش از ۸۰ درصد میادین نفتی و گازی کشور غیر مشترک می‌باشند، رقم قابل توجہی می‌باشد. لازم بہ ذکر است در صورت تسہیل شرایط بین‌المللی و حل اختلافات مرزی با کشورہای ہمسایہ (مانند میدان آرش در مرز عربستان/ کویت و فعالیت‌های اکتشافی در دریای خزر)، فرصت‌های بیشتری برای استفاده از ظرفیت مادہ ۱۱ قانون مزبور فراہم خواہد شد. با در نظر گرفتن این موارد رقم سرمایہ‌گذاری ۴۴ میلیارد دلاری در طی ۱۳ سال حاکی از مفید بودن ظرفیت استفاده از مادہ ۱۱ بودہ و باعث تسہیل روند واگذاری‌های بزرگی در صنعت نفت و گاز کشور شدہ است.

از سوی دیگر در بررسی ظرفیت استفاده از مادہ ۱۱ باید در نظر داشت کہ پیچیدگی قراردادهای نفتی و بویابی مخازن نفت و گاز و روند غیرقابل پیش‌بینی سیالات نفت و گاز، خود یکی از دلایل اصلی نیاز بہ مذاکرہ در انعقاد قراردادهای این حوزہ می‌باشد کہ این امر در قانون برگزاری مناقصات مدنظر قرار نگرفتہ و یکی از نکات حائز اہمیت در بررسی ظرفیت مادہ ۱۱ خواہد بود. در عین حال با توجہ بہ اینکه در قانون برگزاری مناقصات موضوع عدم الزام بہ برگزاری مناقصات برای موارد محرمانہ با اخذ مجوز از ہیئت وزیران مطرح گردیدہ است، بدیہی است ارجاع ہر مورد در خواست محرمانگی برای پروژہ‌های نفت و گاز بہ ہیئت وزیران منطقی نبودہ و اساساً اصل موضوع صرفاً محرمانگی قراردادها نیست، بلکہ طبع متفاوت قراردادهای نفتی ناشی از پیچیدگی‌های فنی و اجرایی آنہاست. لذا شایستہ است این امر مشابہ سایر کشورہای نفت و گاز دنیا از قبیل کشورہای حوزہ خلیج فارس کہ بہ صورت واقع‌بینانہ و بہ‌سرعت در حال توسعہ میادین نفتی و گازی خود هستند و با توجہ بہ چشم‌انداز خاتمہ دوران نفت، با تعمیم استفاده از ظرفیت مادہ ۱۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت برای کلیہ میادین نفتی و گازی کشور، تسہیل گردد.